

بسمه تعالی



بررسی لزوم فعالیت اجتماعی یا تشکیلاتی برای طلاب از منظر امام خامنه ای (مد ظله العالی)

معاونت علمی بسیج مدرسه‌ی علمیه‌ی معصومیه (سلام الله علیها)

ویراست اول

پاییز ۹۷

فهرست مطالب

مقدمه..... ۵

فصل اول: وظایف اصلی و ضروریات طلبگی

بخش اول: کلیات

- ۱-۱-۱- نقش طلاب و روحانیون در پیروزی انقلاب اسلامی..... ۷
- ۱-۱-۲- به روز بودن از نظر آشنایی با تحولات فکری جهانی ۷
- ۱-۱-۳- هشدار نسبت به خطر بی‌اعتنائی روحانیون به مسایل حکومت اسلامی..... ۸
- ۱-۱-۴- خطر آسودگی و راحت‌طلبی روحانیت ۹
- ۱-۱-۵- بنده جداً نگرانم!..... ۹
- ۱-۱-۶- لزوم آماده شدن طلاب برای اقامه‌ی توحید عملی..... ۱۰
- ۱-۱-۷- سه مسئولیت مهم یک روحانی..... ۱۱
- ۱-۱-۸- خدمت به نظام اسلامی، تحصیل، تهذیب..... ۱۱
- ۱-۱-۹- لزوم روحیه نشاط برای طلاب..... ۱۱
- ۱-۱-۱۰- وقت کم است..... ۱۲

بخش دوم: تحصیل علم

- ۱-۲-۱- درس را باید خیلی خوب خواند..... ۱۴
- ۱-۲-۲- بی‌مایه، فطیر است..... ۱۴

بخش سوم: تهذیب و معنویت

- ۱-۳-۱- بر استحکام معنوی روحانیت بیفزاییم..... ۱۶
- ۱-۳-۲- من توصیه‌ی به تقوا را برای طلاب واجب‌تر میدانم تا توصیه‌ی به علم..... ۱۶

۱-۳-۳-وظیفه‌ی فضای جوان؛ نافرینگی به دنیا.....۱۶

۱-۳-۴-بی‌اعتنایی به زخارف دنیا و جلوه‌های آن.....۱۷

بخش چهارم: بصیرت

۱-۴-۱-لزوم بینش سیاسی.....۱۸

۱-۴-۲-باید بدانید که در مملکت و در دنیا چه می‌گذرد.....۱۹

۱-۴-۳-طلاب باید جلوتر از زمان باشند.....۱۹

۱-۴-۴-وقتی انسان قطب‌نما نداشته باشد، راه را زود گم می‌کند.....۱۹

بخش پنجم: مروری بر بیانات در مدرسه‌ی فیضیه ۷۹/۷/۱۴

فصل دوم: برخی از بیانات صریح امام خامنه‌ای (مد ظله العالی)

پیرامون فعالیت اجتماعی طلاب

بخش اول: بیانات صریح

۲-۱-۱-حضور روحانیون، شرط ضروری تداوم انقلاب.....۲۶

۲-۱-۲-طلبه‌ها باید در صفوف مقدم باشند.....۲۷

۲-۱-۳-اهمیت جهاد و طلبه جهادگر و بسیجی.....۲۸

۲-۱-۴-وقت همه چیز همین حالا است.....۲۹

۲-۱-۵-حضور انقلابی خود را حفظ کنید.....۲۹

۲-۱-۶-حضور در میدان‌های گوناگون (فرهنگی و...) با درس خواندن منافات ندارد.....۲۹

۲-۱-۷-امروز یکی از ضروری‌ترین تشکله‌ها، بسیج دانشجو و طلبه است.....۳۰

بخش دوم: مسئله‌ی لزوم یا عدم لزوم فعالیت اجتماعی برای طلاب سطح

فصل سوم: اهمیت کار تشکیلاتی

۳-۱-۱-کار تشکیلاتی برای روحانیون.....۳۸

۳-۱-۲-این کارها تشکیلات و مدیریت تشکیلاتی لازم دارد.....۳۸

۳-۱-۳- کارهای ما دسته‌جمعی نیست..... ۳۸

۳-۱-۴- تبلیغ باید به صورت تشکیلاتی باشد..... ۳۹

۳-۱-۵- ضرورت ایجاد تشکیلات و کار تشکیلاتی..... ۴۰

۳-۱-۶- معنای کار جمعی..... ۴۰

مقدمه

حضرت امام خامنه‌ای (مد ظله العالی) در دیدارهای مختلفی که با عموم طلاب یا مدیران حوزه‌ها داشته‌اند، همواره رهنمودها و مطالباتی را مطرح کرده‌اند. بی‌شک حوزه‌های علمیه و طلاب وقتی می‌توانند به وظایف خود و نقش سربازی امام زمان (عجل الله تعالی فرجه) جامه‌ی عمل بپوشانند که فرامین و مطالبات نائب ایشان را بشناسند و بدان عمل کنند. مطالباتی را که ایشان در دیدارهای مختلف با طلاب بیان نموده‌اند، می‌توان ذیل چند عنوان کلی مطرح نمود که عبارتند از:

۱- مسائل و وظایف علمی و تحصیلی

۲- مسائل و وظایف تربیتی و اخلاقی (که شالوده و روح حاکم بر همه‌ی وظایف دیگر است)

۳- مسائل و وظایف بصیرتی

۴- وظایف اجتماعی، تشکیلاتی و... (که در بسیاری از مواقع با موارد مذکور هم‌پوشانی‌هایی دارد)

بسیاری از طلاب انقلابی و پیگیر فرمایشات امام خامنه‌ای (مد ظله العالی)، به صورت کلی نسبت به این وظایف آشنایی دارند. ولی لزوم برخی از مسائل و وظایف برای برخی از ما طلاب مبهم است و سؤالاتی پیرامون آنها وجود دارد که از جمله‌ی آنها، نقش و جایگاه کار تشکیلاتی و اجتماعی در میان این وظایف، لزوم یا عدم لزوم کار تشکیلاتی و اجتماعی، امکان یا عدم امکان تجمیع بین وظایف علمی با سایر وظایف نظیر وظایف اجتماعی و تشکیلاتی، میزان ورود به کارهای اجتماعی و تشکیلاتی برای طلاب سطح و... است. پاسخ به این دغدغه‌ها و پرسش‌ها، هدف اصلی این طرح تحقیقاتی است.

فصل اول

وظایف اصلی و ضرورت‌های طلبگی

بخش اول: کلیات

۱-۱-۱- نقش طلاب و روحانیون در پیروزی انقلاب اسلامی

حوزه‌ی قم مرگب است از یک مجموعه‌ای که این مجموعه در جامعه می‌تواند اثر بگذارد. یک جزء این مجموعه، مرجعیت است؛ مرجع تقلید مثل امام بزرگوار یا آن اوایل مبارزه که هر دو سه نفر از مراجع اعلامیه می‌دادند؛ بعد البته امام به تنهایی تقریباً بار همه را بر دوش می‌کشیدند. این مرجع تقلید بود که به عنوان دین، به عنوان حکم شرعی، به عنوان وظیفه‌ی دینی حرف او امتداد پیدا می‌کرد در بین مردم؛ این بخش مرجعیتی.

لکن در کنار این، بخش طلبایی وجود داشت؛ اگر طلبان نبودند این حرکت این‌طور گسترش پیدا نمی‌کرد. طلبه‌ها از جاهای مختلف، از شهرهای مختلف و نقاط مختلف کشور جمع می‌شوند، بعد در ایام تعطیلات یا غیر تعطیلات متفرق می‌شوند و می‌روند در جلسات منبر، جلسات سخنرانی، جلسات هفتگی، جلسات دینی، این فکر را منتشر می‌کنند در سطح مردم؛ این خیلی مهم است. یک طلبه وقتی که فرض کنید رفت در یک روستایی یا در یک شهر کوچکی یا بزرگی و آن فکر را بنا گذاشت که تبلیغ بکند و تبیین بکند و منعکس و منتقل بکند به مخاطبین، فرقی با یک دانشجو از زمین تا آسمان است؛ دانشجو نمی‌تواند این کار را بکند اما طلبه می‌تواند. آن عاملی که توانست پیام مراجع را در دوره‌ی اول - آن چند ماه اول - و بعد پیام امام بزرگوار را که تنها این کار را انجام می‌دادند و این رهبری را انجام می‌دادند - چه در دوره‌ی قم، چه در دوره‌ی نجف - منتشر کند در اقصی نقاط کشور و در دل‌های مردم نفوذ بدهد، عامل طلبگی بود؛ طلبه‌ها بودند که این کار را کردند، طلبه‌ها بودند که این فکر را منتقل کردند به سرتاسر کشور.

(بیانات در دیدار با مجمع نمایندگان طلاب و فضایی حوزه‌ی علمیه‌ی قم ۹۴/۱۲/۲۵)

۱-۱-۲- به‌روز بودن از نظر آشنایی با تحولات فکری جهانی

مسأله‌ی دیگر، «به‌روز» بودن است. من و شما باید به‌روز باشیم. الان در هر برهه‌ی کوتاهی از زمان یک فکر در دنیا مطرح می‌شود و بسته به اندازه‌ی ارتباط و وابستگی‌اش به دستگاه‌های قدرت - چه قدرت سیاسی و چه قدرت اقتصادی - در دنیا پخش می‌شود؛ برورگرد ندارد. اصرار هم دارند که این فلسفه‌ی برخاسته‌ی از غرب را - که بعضی از بخش‌هایش اصلاً فلسفه نیست و اسم فلسفه برای آن غلط است؛ بعضی از بخش‌هایش هم چرا، فلسفه است؛ دقیق هم هست و بعضی از حرف‌هایشان درست است - در جوامع غیر اروپایی

بگسترانند. به طوری که وقتی گفته می‌شود فلسفه، فلسفه‌ی «کانت»، «هگل»، «دکارت»، «اسپینوزا» و غیره به ذهنشان بیاید؛ اصلاً فلسفه‌های خودشان به ذهن آنها متبادر نشود. من از شما سؤال می‌کنم: دشمنان پیشرفت فرهنگی ملت ایران در این کار موفق شده‌اند یا نه؟ جواب این است که بله، متأسفانه به میزان زیادی موفق شده‌اند. الان شما به دانشگاه بروید و از بخش فلسفه‌ی دانشکده‌ی ادبیات بپرسید چه درس می‌دهید. ببینید «مشاعر» و «اسفار» و «شرح منظومه» و «شواهد الربوبیه» و امثال این‌ها را درس می‌دهند؟ ابداً! اسم این‌ها را هم نشنیده‌اند؛ اما مثلاً متون کتاب‌های هگل و کانت را درس می‌دهند.

(بیانات در دیدار با طلاب و علمای قزوین ۱۲/۹/۲۵)

۱-۱-۳- هشدار نسبت به خطر بی‌اعتنایی روحانیون به مسایل حکومت اسلامی

امروز اگر روحانیت در قبال حکومت، بی‌اعتنا و بی‌مبالا باشد، هم خودش ضایع خواهد شد و هم حکومت اسلامی تضعیف می‌شود. حکومت اسلامی، حکومت قرآن و حکومت فقه و فقیه و حکومت علم و عدل است. حکومت برای گسترش آرمان‌های اسلامی است. تشکیل حکومت اسلامی، آرزوی همه اولیاءالله در طول تاریخ بوده است. هر فرد مؤمنی وظیفه دارد از آن دستگاه سیاسی که اسلام را ترویج و احکام آن را پیاده می‌کند، حمایت کند. مگر عالم دین می‌تواند نسبت به حکومت اسلامی بی‌اعتنا بماند؟! افراد کافر به اسلام، در مقابل حکومت طاغوتی بی‌اعتنا می‌مانند. «طاغوت» یعنی کسی که در مقابل خدا، دستگاهی برپا می‌کند. اندادالله، شرکاءالله: کسانی که خود را بنده‌ی مطیع خدا می‌دانند، برای تحقق اهداف خدایی تلاش می‌کنند و صبح و شام در مقابل پروردگار پیشانی خضوع به خاک می‌سایند که به آنها توفیق دهد خدمت‌گزار دین او باشند. اگر این‌ها در کشور، زمام قدرت را به دست گیرند، همه وظیفه دارند که مانند یک عبادت، از آنان حمایت کنند.

در گوشه و کنار، شاید افرادی هستند که خیال می‌کنند این نشانه زهد و علم آنان است که از کار کنار بکشند و کاری با حکومت نداشته باشند. مگر چنین چیزی امکان دارد؟! البته چون می‌خواهیم نسبت به مسائل، حسن ظن داشته باشیم، می‌گوییم: «این، نشانه بی‌خبری و غفلت آنان است.» و آلا اگر غفلت و بی‌خبری نباشد، نشانه‌ی چیزهای خیلی بدی خواهد بود. پس، این فرض هم مردود است.....

امروز هر کس برای تعلیم و تربیت وارد حوزه می‌شود، باید این در ذهنش باشد که من امروز به اندازه‌ی وسع و توانم، طلبه‌ی فاضل، مدرّس معروف، مرجع یا از ارکان حوزه می‌شوم تا به نظام جمهوری اسلامی و مسؤولانش کمک کنم. طلبه باید از ابتدا تا پایان، این روال و مسیر را در نظر داشته باشد. این، باید در حوزه‌ی علمیه به یک فرهنگ تبدیل شود.

(بیانات در دیدار با روحانیون و طلاب در صحن مدرسه‌ی فیضیه‌ی قم ۷۴/۹/۱۶)

۱-۱-۴-خطر آسودگی و راحت‌طلبی روحانیت

روحانیت به عنوان خادم، نه به عنوان صاحب، لازم است. ما چه کسی هستیم که صاحب این معارف باشیم. ما می‌توانیم برای جوامع بشری، خادم و حامل فقه و واسطه‌العقد ذهن و واقعیت باشیم. کدام روحانیت؟ این، آن نکته‌ی اصلی است. هرچه قشر روحانی، مقاوم‌تر، فداکارتر، مبارزتر، تن‌به‌سختی‌بده‌تر و آماده‌تر باشد، این کار عملی‌تر است. شما آقایان که در دوره‌ی انقلاب - چه در دوره‌ی پیروزی انقلاب و چه در دوران پانزده سال مبارزات دشوار پیش از پیروزی - در صحنه بودید، دیدید که روحانی مقاوم مبارز آگاه آگاهی‌بخش، برای این حرکت، نورافکن و مشعلی بود؛ و روحانی بی‌اعتنای به این مسائل، یا نومید، یا ناآگاه، یا خدای نکرده دل‌بسته‌ی به زخارف دنیا، یا حداکثر وابسته‌ی به دستگاه‌های ظالم، مانع بزرگی بود. بعضی از روحانیون، اذیت می‌کردند.

من می‌خواهم این را به شما عرض بکنم که اگر بخواهیم به وظایف درست عمل کنیم، پیمودن راه از حالا به بعد، یقیناً آسان‌تر از راه گذشته‌ی ما نیست؛ راه دشواری است. از حالا به بعد، مسأله، مسأله‌ی حفظ ارزش‌هاست؛ جا انداختن این‌ها در ذهنیت ملل دنیاست؛ حراست از آن‌ها در داخل جامعه‌ی اسلامی است. این، با زبان ممکن نیست؛ با عمل و تلاش و فداکاری و امید و آمادگی و علم و تقوا ممکن است.

اگر در این مرحله‌ی از حالا به بعد، روحانیونی که متصدی و کمر بسته‌ی گسترش این تفکر الهی در سطح ذهنیت عالم هستند، دارای این خصوصیات باشند، این فکر پیش خواهد رفت. اگر خدای نکرده روحانیون، خسته و ملول و نومید و دل‌بسته شدند، از راحتی و آسودگی خشنود شدند، به آن عادت کردند، از خطر و سختی گریزان شدند، بار بر زمین خواهد ماند و این فکر پیش نخواهد رفت.

(بیانات در دیدار با طلاب و روحانیون آزاده ۶۹/۸/۵)

۱-۱-۵-بنده جداً نگرانم!

بنده جداً نگرانم! نه نگران به معنای این که فکر می‌کنم آسیبی وارد خواهد آمد؛ نه. بالأخره خدای متعال بار خودش را بر زمین نمی‌گذارد و بار خدا به منزل خواهد رسید. اما کوتاهی‌های ما، چه در گذشته و چه در حال، ممکن است خدای ناکرده ضایعاتی به بار آورد که بعداً جبران‌ش سخت باشد..... دشمنان اسلام مشغولند، و از بهترین ابزارها برای کوبیدن اسلام استفاده می‌کنند. این واقعیتی است..... همه‌ی همّت دشمنان این است که پایه‌ی تفکر اسلامی را در ذهن‌ها شُل کنند..... اساس قضیه هم از نظر آن‌ها، عبارت است از فکری که نظام سیاسی اسلامی بر آن می‌چرخد؛ یعنی فکر نظام اسلامی و حکومت اسلامی. هر چه را که به این ارتباط دارد، می‌خواهند در ذهن‌ها خراب کنند.....

واقعاً حوزه بسیار غنی است و افراد غنی هم در خود دارد. این همه فضلا و جوانان مستعد در این حوزه هستند؛ جوانانی که از شدت تالؤل استعداد، اصلاً برق می‌زنند و وقتی بعضی از آنها به این‌جا می‌آیند، آدم از دیدنشان حظ می‌برد. اما همین‌طور عاطل و باطل مانده‌اند و دلشان خوش است به این‌که در جلسه‌ی درس اصول آقای فلان یا حلقه‌ی درس فقه آقای بهمان بروند و حداکثر جزوه‌ای بنویسند! این است کار حوزه‌ها؟! (بیانات در دیدار با رئیس و اعضای دفتر «تبلیغات اسلامی حوزه‌ی علمیه‌ی قم» ۷۳/۳/۹)

۱-۶- لزوم آماده شدن طلاب برای اقامه‌ی توحید عملی

مسئولیتی که برای جامعه‌ی علمی و دینی اسلام- که ما از آن به روحانیت تعبیر می‌کنیم- قرار داده شده است، عیناً مسئولیت انبیاست.....

توحید به معنای اقامه‌ی قسط است. ترجمه‌ی عملی توحید، اقامه‌ی قسط است؛ توحید فقط یک مسئله‌ی نظری محض که نیست. توحید را وقتی بخواهیم ترجمه‌ی عملیاتی بکنیم؛ در جامعه به صورت یک واقعیت در بیاوریم، می‌شود قسط؛ می‌شود حق؛ می‌شود عدل که "بالعدل قامت السموات و الارض". انبیا برای این می‌جنگیدند. سختی‌ها هم به خاطر این است. پس مسئله با نصیحت تمام نمی‌شود. تحرک، فعالیت، مجاهدت؛ البته مجاهدت همیشه هم به شمشیر و سلاح نیست. گاهی مجاهدت زبانی مؤثرتر است، هم در به حرکت درآوردن دل‌های مستعد و آماده، هم در کوبیدن دشمن. این زبان و بیان متکی و معتمد بر فکر صحیح است که می‌تواند جوامع و نیروهای انسانی انبوه را در یک جهتی بسیج کند و حرکت بدهد و آن هدف تحقق پیدا کند.....

روحانیت در همه‌ی نهضت‌ها (نهضت‌های حق‌جو و عدالت‌طلب و...) و تحرکاتی که از حدود دویست سال قبل به این طرف آغاز شده است، در مرکز این تحرکات و در رهبری این تحرکات و در اتاق فکر این تحرکات حضور داشته است. روحانیت در حقیقت، این تحرکات عظیم را به راه انداخته است؛ این پدیده‌ی مهمی است. این را نباید دست‌کم گرفت.....

بعد از این هم دنیای اسلام، عالم تشیع، کشور عزیز خودمان، نیازهایی خواهد داشت؛ مشکلاتی خواهد داشت؛ مسائلی خواهد داشت که باید این عنصر مؤثر، یعنی عنصر روحانیت، بتواند گره‌گشایی کند. باید این ذخیره را ما هر چه ممکن است، بیش‌تر کنیم؛ نباید این ذخیره از بین برود. من حالا به شما طلبه‌های جوان عرض می‌کنم که خودتان را آن‌چنان بیارایید و بسازید که این بنیه‌ی قوی علم و پارسایی بتواند این بار سنگین را در آینده تحمل کند. ما بعد از این به علمای بزرگ، علمای مجاهد فی سبیل الله، علمای روشن‌بین و روشن‌فکر، علمای آگاه از نقاط آسیب دنیای اسلام و عالم تشیع نیاز داریم. شماها باید این نیاز بزرگ را تأمین

کنید؛ شما آن علما هستید. آن‌هایی که باید این ستون‌های محکم را تشکیل بدهند که این بنای استوار و مرسوس را بر روی دوش خود حمل کنند، شما باشید؛ شما طلاب و فضلاء جوان.

(بیانات در دیدار با علما و روحانیون استان خراسان رضوی ۱۳۸۶/۲/۲۶)

۱-۱-۷- سه مسئولیت مهم یک روحانی

به‌طور خلاصه وقتی که یک روحانی را در نظر می‌گیریم، سه کار عمده بر عهده‌ی این روحانی است: هدایت فکری و معنوی، هدایت دینی، دوم، هدایت سیاسی، بصیرت‌افزایی سیاسی، و سوم، راهنمایی خدمات اجتماعی، غم‌خواری، خدمت‌رسانی برای متن جامعه. این سه کار، کار روحانی است. شما در هر شغلی از مشاغل روحانی باشید، یا هر سه کار را یا بخشی از این سه کار را قهراً باید انجام بدهید.

(بیانات در دیدار با طلاب، مدیران و مدرسان حوزه‌های علمیه‌ی تهران ۱۳۹۵/۲/۲۵)

۱-۱-۸- خدمت به نظام اسلامی، تحصیل، تهذیب

آن‌چه که لازم است عرض بکنم - که از همه‌ی این مطالب مهم‌تر است - نسبت حوزه‌های علمیه است با انقلاب و نظام اسلامی..... این که یک آقای در یک گوشه‌ای عبایش را بکشد به کول خودش، بگوید من به کارهای کشور کار ندارم، من به نظام کار ندارم، افتخار نیست؛ این ننگ است..... حوزه‌های علمیه باید خود را سربازان نظام بدانند، برای نظام کار کنند، برای نظام دل بسوزانند، در خدمت تقویت نظام حرکت کنند؛..... معنای حرف من این نیست که حالا همه باید از روز اول بیایند در مشاغل نظام کار کنند؛ نخیر، باید درس بخوانید..... آقا جان! بی‌مایه فطیر است؛ باید مایه پیدا کنید. اگر مایه پیدا کردید، آن وقت می‌توانید در منصب و جایگاهی مثل جایگاه امام بزرگ‌عالی‌مقام، این حرکت عظیم را انجام دهید..... بنابراین وظیفه سنگین است، کار هم زیاد است. وظیفه‌ی شما خیلی زیاد است. از لحاظ معنوی باید خودتان را بسازید؛ هم از لحاظ اخلاقی، هم از لحاظ تهذیب، هم از لحاظ تدین، هم از لحاظ پایبندی و تقید به فرایض و نوافل و تلاوت قرآن.

(بیانات در دیدار با روحانیون خراسان شمالی ۱۳۹۱/۷/۱۹)

۱-۱-۹- لزوم روحیه‌ی نشاط برای طلاب

این جوانی، نباید به پیری تبدیل شود. اگر جوان ما ظاهراً و سناً جوان، ولی روحیتاً پیر و بی‌نشاط و

بی‌حوصله و بی‌ابتکار و ناامید باشد، بسیار چیز بدی است. طلبه باید منشأ امید و شور و نشاط و تحرک باشد. اگر این‌طور شد، آن وقت طلبه، در صفوف مقدم مسایل انقلاب هم شرکت می‌کند. شرط اصلی صلاح حوزه، این است. اگر حوزه کارش به آن‌جا برسد که طلبه نسبت به مسائل انقلاب، احساس بی‌تفاوتی کند، خطر بزرگی است و نباید بگذارید چنین شود. یکی از مهم‌ترین وظایف هر مجموعه‌ای مسؤولی در حوزه‌ی علمیه‌ی قم و بقیه‌ی حوزه‌های علمیه، این است.

(بیانات در دیدار با مجمع نمایندگان طلاب و فضالای قم ۶۹/۱/۴)

۱-۱-۱- وقت کم است

نکته‌ی دیگری که لازم است به آن توجه کرد، زمان است. «وقت کم است» یعنی چه؟ یعنی عملی وجود دارد که ما حداکثر تا ده سال دیگر می‌توانیم آن را انجام دهیم؛ بیشتر نمی‌توانیم؟ نه! این‌گونه نیست. به فضل پروردگار، تا ده‌ها و صدها سال و تا همیشه می‌شود کار کرد. منتها چیزی که در مقابل وجود دارد، سیر سریع، شتابنده و رو به افزایشی است که امروز فرهنگ مادی و مهاجم به معنویات - به صورت رقیب ما و در مقابل ما - در فضای جهانی داراست. لذا، ما باید همیشه احساس کنیم که وقت تنگ است. این‌گونه نیست که ما از لحاظ زمان، بگوییم «دو سال، پنج سال یا بیست سال وقت داریم». هر قدر که کسی زنده بماند، همان قدر وقت دارد.

فرهنگی که امروز بر کشورهای غربی حاکم است، فرهنگی مادی است که با کمالات انسانی و معنویت، بیگانه است. به یک معنا، تمدن غربی رو به شکست است و نقص‌ها و قصورهای آن، به تدریج بر همه آشکار می‌شود. با این‌که آدم‌های هوشمند غربی در سطوح بالا، به طرف معنویات گرایش پیدا می‌کنند، هنوز تبلیغات و تهاجم آن کشورها علیه معنویت، به حال خود باقی است.

اگر آقایان خوب مطالعه داشته باشید، می‌دانید که در قرن نوزدهم، تهاجم به معنویات و دین، در تمدن اروپایی خیلی شدید بود. اروپایی‌ها در قرن نوزدهم، به هر چه که نشان مذهب و مبانی مذهبی داشت و معنویت در آن بود - و از جمله به اسلام - حمله کردند و کتاب‌ها نوشتند. بعد در اواسط قرن نوزدهم، مارکسیسم هم به این جبهه اضافه شد و در حقیقت مسابقه‌ای علیه معنویت، بین اردوگاه چپ و راست به وجود آمد. الان اگرچه آن سر و صداها و گرد و غبار پراکنی‌ها، دیگر نیست و با گذشت دو قرن، در آستانه‌ی قرن بیست و یکم هستیم، اما همان تهاجم، امروز هم به صورت سازمان یافته‌تری وجود دارد. البته من حدس قوی می‌زنم که امروز بخشی از تهاجم دشمن، ناشی از حضور اسلام، تحرک دوباره و بیداری مسلمین و از همه بالاتر و والاتر، اقامه‌ی نظام اسلامی در ایران است. بنابراین، وقت کم است. کارها را خیلی بطنی نمی‌شود انجام داد؛ بلکه باید با سرعت انجام داد. البته عجله‌ی مذموم مورد نظر نیست؛ بلکه «سارعوا الی مغفرة» سرعت

ممدوح مورد نظر است..... اصل عرض ما، این بود که «دیر می‌شود.» هر کاری که باید انجام گیرد، ان شاء الله باید هر چه زودتر انجام گیرد. به نظر من، اساس این است.

(بیانات در دیدار مجمع نمایندگان طلاب و فضلاء حوزه ی علمیه قم ۷۴/۲/۴)

بخش دوم: تحصیل علم

۱-۲-۱- درس را باید خیلی خوب خواند

آقایان! شما با چنین اهمیتی، وارد این صحنه و عرصه شده‌اید؛ به آن توجه داشته باشید. درس را باید خیلی خوب خواند. بی‌مایه فطیر است و فایده‌ای ندارد. کسی که خیال کند حالا درس نخوانیم، اما خدمت کنیم، برای دین نتیجه‌ای ندارد. بدون درس خواندن، نمی‌شود این خدمت را انجام داد. حالا ممکن است خدمات دیگری کرد؛ ولی این خدمت، متوقف به علم است. باید خوب درس خواند و از درس مهم‌تر، آن معنویت و روحانیتی است که درون خود ما باید باشد تا ان‌شاءالله «من نصب نفسه للناس اماماً فعلیه ان یبدأ بتعلیم نفسه قبل تعلیم غیره» تحقق پیدا بکند.

(بیانات در مراسم عمامه‌گذاری گروهی از طلاب ۶۸/۱۲/۲۲)

اولین وظیفه‌ی طلبه‌ی ما، درس خواندن و عالم شدن است. در این جا مراد من از علم، علم حوزوی است؛ یعنی فقه، فلسفه، کلام، اصول و چیزهایی که به این‌ها مربوط است و پایه و مقدمه‌ی این‌هاست..... من اصرار دارم که حوزه‌ی علمیه به علم- همین علم مدرسی خود ما- بپردازد. این طور نباشد که اگر ما سیاست فهمیدیم یا به خدمات اجتماعی و خدمت‌رسانی به مردم علاقه پیدا کردیم، از کار تجهیز و تسلیح معنوی و فکری خود باز بمانیم. بی‌مایه فطیر است؛ باید عالم شد. نیت کنید عالم شوید و جمعی را به برکت علم خودتان عالم کنید؛ نه ارشاد کنید؛ ارشاد باب جداگانه‌ای است.

(بیانات در دیدار طلاب و علمای قزوین ۸۹/۹/۲۵)

۱-۲-۲- بی‌مایه، فطیر است

در آن دوران مبارزات، عده‌ای از طلبه‌ها غرق در عالم مبارزه بودند؛ آن هم مبارزات آن زمان‌ها که طور دیگری بود و آمیختگی‌ها و پیچیدگی‌هایی داشت. یک جریان، جریان روشن‌فکری و یک جریان، جریان مبارزه بود و این‌ها در مواردی با هم التقاء می‌کردند و البته در آن موارد، التقاشان هم خوب بود و طلبه‌های مبارز، گاهی یک حالت روشن‌فکری پیدا می‌کردند. من که در مشهد بودم، با طلبه‌ها انس داشتم. طلبه‌ها و جوانان قم هم مکرر پیش من می‌آمدند و می‌رفتند و مسأله مطرح می‌کردند و من می‌دیدم که این‌ها نسبت به درس بی‌رغبتمند. مکرر به این طلبه‌ها می‌گفتم که برادران! این درس رسائل و مکاسب را باید بخوانید، این

کفایه را باید یاد بگیرید. این که خیال کنید ما دیگر مبارزیم، پس دیگر این حرف‌ها چیست، معنای حرفی به چه درد می‌خورد، این اجتماع امر و نهی و مقدمه‌ی واجب را ولش کن، اشتباه فکر کرده‌اید. نخیر، این‌طوری نمی‌شود. باید این‌ها را یاد بگیرید. این، فن ماست. مکرر می‌گفتم و الان هم همین را می‌گویم که بی‌مایه، فطیر است.

طلبه‌ای که در درس و علم، غور و خوض نداشته باشد، طلبه نیست و موضوع، منتفی است. بحث، سر طلبه است. طلبه، یعنی آن که باید درس بخواند. البته بعضی از آن حرف‌هایی که ماها عادت کرده‌ایم بخوانیم، یا زیادی است و یا خالی از اولویت است؛ ولی جایش را باید چیزهای اولی، یا چیزهای لازم پُر کند. مثال‌هایی که ما زدیم - معنای حرفی مشتق و ضد و فلان - معنایش این نیست که حتماً همه‌ی مباحث این فصول، واجب و لازم است. نه، ممکن است این‌ها هم جزو همان چیزهایی باشد که بعضی از آنها زیادی است. علی‌ایّ حال، منظور این است که درس‌های رسمی حوزه را باید حتماً خواند و یاد گرفت.

این، اجتهاد است. اجتهاد، یک متد و یک شکل و یک طریقه است؛ رفتاری در فهمیدن و کیفیتی در مشی به سمت حقیقت است. آن کیفیت را باید بلد بود. اگر کسی راه را بلد نباشد، معلوم است که به حقیقت نمی‌رسد. کسی راه‌آموخته و بلدشده نمیشود، مگر با خواندن همین درس‌ها. این‌ها را باید خواند، تا آن راه را یاد گرفت. آن متد را باید فراگرفت. بدون آن متد، نمی‌شود کاری کرد. بنابراین، با درس خواندن باید در صحنه‌ی رزم سیاسی و اجتماعی و نظامی شرکت کرد و در صحنه‌ی تبلیغ و آگاهی‌بخشی به مردم وارد شد.

(بیانات در دیدار با مجمع نمایندگان طلاب و فضالای قم ۶۹/۱/۴)

بخش سوم: تهذیب و معنویت

۱-۳-۱- بر استحکام معنوی روحانیت بیفزاییم

تکلیف ما جامعه‌ی روحانیت - که بنده هم طلبه‌ای در این مجموعه‌ی عظیم روحانی هستم - این است که هرچه توان داریم، بر استحکام معنوی جامعه‌ی علمی روحانیت بیفزاییم. علمای محترم در این زمینه، عملاً و فکراً و مشیاً و زیّاً وارد شوند؛ زیرا آبروی روحانیت، آبروی اسلام و انقلاب - بخصوص آبروی امام - است. (بیانات در مراسم بیعت ائمه‌ی جمعه و روحانیون مازندران و اصفهان و طلاب خارجی ۶۸/۴/۴)

۱-۳-۲- من توصیه‌ی به تقوا را برای طلاب واجب‌تر می‌دانم تا توصیه‌ی به علم

من توصیه‌ی به خشوع و ذکر و تقوا و سعی برای تقرب الی الله را برای طلاب واجب‌تر می‌دانم تا توصیه‌ی به علم، که مایه‌ی کارشان علم است. اگر علم باشد، تقوا نباشد، این علم می‌شود بی‌فایده، گاهی هم مضر. عالمانی داشتیم - چه علم دینی، چه علم غیر دینی - که نه فقط از این علم بهره‌ای نبردند و بهره‌ای نرساندند، بلکه وزر و وبال شد. این روح معنویت در علم و عالم لازم است.

(بیانات در دیدار با روحانیون کرمانشاه ۹۰/۷/۲۰)

۱-۳-۳- وظیفه‌ی فضلالی جوان؛ نافریتگی به دنیا

شما قشر طلبه‌ی فاضل متدین نافریتته به دنیا- اصل قضیه این است- نباید برای دنیا و اهداف دنیایی، اعم از پول، مقام و حتی مقام مرجعیت، حرکت کنید. وارد این مجلس که شدید، از پیش، جای معینی را برای خودتان در نظر نگیرید؛ که اگر آن‌جا پر بود، یا قهر کنید و بیرون بروید و یا جایی بنشینید، به قصد این‌که روی آن نقطه بپرید! باید ببینیم کجا هست که بتوانیم آن‌جا کارمان را انجام دهیم؛ برویم آن‌جا بنشینیم؛ هر جا که بود! اگر این قشر مؤمن، فعال، متدین، متقی و نافریتته به دنیا، در حوزه‌ی قم و حوزه‌های دیگر وجود داشته باشند، از آینده هیچ نگرانی نیست.

(بیانات در دیدار با مجمع نمایندگان طلاب و فضلالی قم ۷۴/۲/۴)

۱-۳-۴- بی‌اعتنایی به زخارف دنیا و جلوه‌های آن

مسأله‌ی دیگر که به همین اندازه اهمیت دارد (پیش از این، حضرت آقا مسأله‌ی اهمیت علم را مطرح کردند) و بارها امام بزرگوارمان تکرار می‌کردند و در جاهای دیگر هم مکرراً گفته شده، بی‌اعتنایی به زخارف دنیا و جلوه‌های آن است. در این راه، از لذت‌های مادی زیادی باید گذشت و خدا را شکر می‌کنیم که روحانیت معظم ما، این خصوصیت را حفظ کرده است؛ اگر چه میدان بی‌اعتنایی و بی‌رغبتی به دنیا گسترده است و می‌توان در این میدان خیلی پیش رفت.

شخصیت‌ها و چهره‌هایی را می‌شناسیم و می‌بینیم که در این چند سال، وجود و حرف و منششان مؤثر بوده است و به زخارف دنیا بی‌رغبت بوده‌اند و نخواستند به نفس و شهوات خود پاسخ بدهند و در مقابلشان ایستادند و آنها را کوچک شمردند.

درمقابل اهداف بلند، ما نمی‌توانیم مثل امیرالمؤمنین علی (علیه‌السلام) عمل کنیم - خود آن بزرگوار هم همین را فرمود - لیکن می‌توانیم ورع و تقوا و بی‌اعتنایی و بی‌طمعی را در خودمان حفظ و تقویت کنیم. این کار، امروز برای روحانیون یک وظیفه‌ی مبرم است و طلب و فضلا و مسؤولیت‌دارهای روحانی و شاغلان به این جهت، باید خیلی توجه کنند؛ چون این راه، راه پیامبران الهی و نیز کسانی چون امیرالمؤمنین (علیه‌م‌الصلاة والسلام) است که کم‌ترین اعتنایی به این دنیا نکردند. این راه را باید این‌گونه رفت و در مقابل زورمندان، شجاعت و شهامت داشت و به مردم تکیه کرد.

(بیانات در دیدار طلاب و علمای قم و تهران ۱۳/۱/۶۸)

بخش چهارم: بصیرت

۱-۴-۱- لزوم بینش سیاسی

یکی دیگر از کارهایی که در حوزه لازم است و حوزه با خلأ آن روبه‌روست، این است که مسؤولان و اکابر و شخصیت‌ها و رهبران حوزه - مثل مراجع تقلید و مدرّسان بزرگ و شورای مدیریت و امثال این‌ها - باید کاری کنند که در داخل حوزه‌ی علمیه، درک از مسائل جاری عالم و قدرت تحلیل و فهم این مسائل، در عالی‌ترین سطح خودش در کشور وجود داشته باشد. یعنی ما باید کاری بکنیم که حوزه‌ی علمیه قادر باشد به وسیله‌ی اغلب افرادش - نمی‌گوییم همه‌ی افراد - در فضای عمومی کشور، بینش درست سیاسی و فهم مسائل جاری را در اختیار دیگران بگذارد و مردم را هدایت کند و پیش ببرد.

کج فهمیدن، ساده و سطحی فهمیدن، گند و ناهوشمندانه فهمیدن، غافل ماندن از مسایل جاری عالم و کشور، از جمله‌ی زیان‌بخش‌ترین چیزهایی است که ممکن است حوزه‌ی علمیه با آن روبه‌رو بشود. این‌هاست که زمینه را فراهم می‌کند، تا یک عده آدم بددل سوءنیت‌دار احياناً تحریک شده به وسیله‌ی اجانب، در حوزه‌ی علمیه راه بیفتند و حرف‌هایی را مطرح کنند؛ کمالین که در این چند سال، برخی از نمونه‌هایش را دیدید که بحمدالله سینه‌ی ستبر انقلاب زد و بسیاری از این نمونه‌ها را از سر راه برداشت؛ لیکن نمی‌شود گفت که این چیزها تمام شده است.

کج فهمی‌ها و نفهمی‌ها، از دو طرف خطر ایجاد می‌کند: یکی از ناحیه‌ی هدایت‌های غلط و بددلانه و متکی بر تفکرات ناسالم و مشوب به اغراض، و دیگری تحجرها، گندفهمی‌ها، دیرفهمی‌ها، در لحظه‌ی لازم در جایگاه لازم قرار نگرفتن‌ها. این‌ها خیلی ضربه می‌زند و حوزه‌ی علمیه امروز آن‌طور نیست که بتواند ضربه را راحت تحمل کند. امروز، تلاشی حوزه یا صدمه‌ی به حوزه، صدمه‌ی به اسلام است.

مسأله، مسأله‌ی نظام اسلامی و دیدگاه تمام مسلمانان دنیاست که امروز به جمهوری اسلامی نگاه می‌کنند و از جهت اسلام و معارف اسلامی، جمهوری اسلامی و حوزه است که باید پاسخ‌گو باشند. اگر خدای ناکرده، حوزه ضربه‌ای بخورد و اشکالی پیدا کند؛ جایی از نظر فهم مسائل جاری، کج بفهمد و یا موضعی را درست تشخیص ندهد و نیازی را در جای خود درک نکند، یا بد بفهمد؛ دشمنی و دوستی را نشناسد و براساس آن تصمیم‌گیری بشود، ضربه‌هایی که پیش خواهد آمد، ضربه‌های جبران‌ناپذیری خواهد بود.

(بیانات در دیدار مجمع نمایندگان طلاب و فضلالی قم ۶۹/۱/۴)

۱-۴-۲- باید بدانید که در مملکت و در دنیا چه می‌گذرد

درستان را خوب بخوانید تا عالم بشوید و بتوانید جواب نیازهای مردم را بدهید. در کنار درس، از اوضاع عالم و کشور و مسایل سیاسی مطلع باشید که اگر بی‌اطلاع باشید، به درد پاسخ‌گویی به نیازهای مردم نخواهید خورد؛ این را صریحاً به شما می‌گویم. باید بدانید که در مملکت و در دنیا چه می‌گذرد و نیازهای مردم چیست. عالم هم باشید، تا آن وقت مفید باشید؛ والا مفید نخواهید بود. بعد هم «من نصب نفسه للناس اماماً فعلیه ان یبدأ بتعلیم نفسه قبل تعلیم غیره». خودمان، خودمان را بایستی تک‌تک تأدیب و تربیت کنیم تا ان شاء الله مفید باشیم.

(بیانات در مراسم عمامه گذاری گروهی از طلاب ۱۰/۲۶/۶۸)

۱-۴-۳- طلاب باید جلوتر از زمان باشند

البته بُعد دیگر وحدت دین و سیاست، این است که حوزه‌های علمیه بایستی از سیاست هرگز دور نمانند. طلاب باید آگاهی سیاسی پیدا کنند. مبدا جریان‌های سیاسی روز، بر ذهن طلاب در حوزه‌ی علمیه سبقت بگیرند. طلاب باید در فضای سیاسی حضور داشته باشند؛ بلکه جلوتر از زمان باشند و فکر سیاسی روشن داشته باشند؛ کمالین که علمایی که فکر سیاسی روشن داشتند، مفید بودند.

ما عالم ملای محقق شجاع به‌دردبخوری از لحاظ شخصی را می‌بینیم که به خاطر نداشتن فکر سیاسی، یک جا وجودش باید مفید واقع می‌شده، اما مفید واقع نشده است؛ یک جا نظری داده، که آن نظر برخلاف است؛ یک جا در مورد فردی تشخیصی داده، که آن تشخیص، تشخیص غلطی است و موجب اشتباهات بزرگی در این باب شده است. وقتی ما به فکر سیاسی اهمیت ندادیم، این‌گونه خواهد شد. عالم دین، بایستی فکر سیاسی روشن و زنده و متناسب با لحظه‌ی حال داشته باشد.

(بیانات در ابتدای درس خارج فقه ۷۰/۶/۳۱)

۱-۴-۴- وقتی انسان قطب‌نما نداشته باشد، راه را زود گم می‌کند

پاکیزگی، پارسایی، پاک‌دامنی، آگاهی، روشن‌بینی، روشن‌فکری و آشنایی با مسائل جامعه و جهان، پایه‌های اصلی است. ممکن است انسان، عالم و باتقوا هم باشد، اما چون دنیا را نمی‌شناسد، سرش را پایین بیندازد و راه بیفتد؛ یک وقت ببیند مقدار زیادی از جاده دور شده است. ما چنین اشخاصی داشته‌ایم؛ آدم‌های خیلی خوب، مؤمن و عالم؛ اما خط جبهه را گم کرده‌اند. وقتی انسان قطب‌نما نداشته باشد، راه را زود گم می‌کند. اغلب شما جوان‌ها دوران جنگ را درک نکرده‌اید. در جبهه، انسان زود راه را گم می‌کند؛ یک وقت

خیال می‌کند که دارد به طرف دشمن تیراندازی می‌کند؛ اما چون درست جهت‌یابی نکرده، می‌بیند به طرف نیروی خودی دارد تیراندازی می‌کند! ما کسانی را دیدیم که به جای این که تیراندازی معنوی شان را به طرف دشمن بکنند، لوله‌های توپخانه‌شان را طرف جبهه‌ی خودی گرفتند و تا هر جا که توانستند، جبهه‌ی خودی را کوبیدند! در دوران مبارزات، ما این را دیدیم و علت هم بر اثر ناآگاهی است. باید آگاهی کسب کنید. روشن بینی و روشن فکری‌تان را نگه دارید و اراده و همت و خستگی‌ناپذیری را در خود حفظ و تقویت کنید.

(بیانات در دیدار با طلاب و اساتید مدرسه‌ی علمیه‌ی آیت الله مجتهدی (۱۳/۳/۲۱)

بخش پنجم: مروری بر بیانات در مدرسه‌ی فیضیه ۷۹/۷/۱۴

به علت اهمیت بالای بیانات حضرت آقا در این دیدار، همه‌ی آن خلاصه شده است. هرچند که در نگاه اول، ممکن است این چنین به نظر برسد که برخی از مطالب با موضوع تحقیق ارتباطی ندارد، اما به دلیل رابطه‌ی منسجمی که بین کل موضوعات مطرح شده در آن وجود دارد (و برخی از این موضوعات ارتباط دقیقی با نتیجه‌گیری تحقیق دارد) می‌بایست همه‌ی این سخنرانی با هم دیده شود.

۱- مطلب اول این است که خط کلی نظام اسلامی چیست؟ اگر بخواهیم پاسخ این سؤال را در یک جمله ادا کنیم، خواهیم گفت خط کلی نظام اسلامی، رسیدن به تمدن اسلامی است.

۲- برای رسیدن به این هدف، هر مجموعه وظیفه‌ای دارد، از جمله حوزه‌های علمیه (روحانیون و طلاب).

۲-۱- این را نباید با کارهای دفعی، جزئی و شعاری اشتباه کرد. این کاری است که باید گام به گام، هر گامی محکم‌تر از گام قبل، با نگاه دقیق نسبت به هر قدمی که برمی‌داریم و با دید نافذ نسبت به مسیری که طی می‌کنیم، همراه باشد.

۲-۲- برای ایجاد یک تمدن اسلامی - مانند هر تمدن دیگر - دو عنصر اساسی لازم است: یکی تولید فکر، یکی پرورش انسان.

۲-۲-۱- تولید فکر اسلامی: حوزه‌های علمیه (روحانیون و طلاب) با توجه به سؤالات و نیازهای زمانه، سخن روز را از معارف اسلامی بیرون بیاورند.

۲-۲-۲- شرط دوم، پرورش انسان است. حال در آن جایی که فکر و انسان باید تولید شود، ببینید نقش‌آفرینان چه کسانی هستند. این نقش‌آفرینان کسانی هستند که باید بتوانند افکار را هدایت کنند... نقش علمای دین، نقش کسانی که در راه پرورش ایمان مردم از روش دین استفاده می‌کنند، یک نقش یگانه است؛ نقش منحصر به فرد است.

۲-۳- طلبه‌ی جوان وقتی که وارد حوزه‌ی علمیه می‌شود و درس حوزه را می‌خواند و برنامه‌ی حوزه را عمل می‌کند، چشمش به این است که بتواند در این حرکت عظیم مردمی نقش بیافریند؛... نقش‌های آگاهی‌بخش و هدایت‌کننده.

۳- شرط اول کسی که می‌خواهد در این راه حرکت کند، این است که بداند با چه کمین‌ها و موانعی

روبه‌رو خواهد شد.

عالم به زمان کسی است که بداند در کجای دنیا زندگی می‌کند؛ صف‌بندی‌های مقابل او چیست؛ انگیزه‌های مخالفت با او کدام است.

۳-۱- چالش‌های نظام: یک عده با اصل دین مخالفند..... عده‌ای با سیاست دینی مخالفند..... یک عده دچار نفاق دینی هستند؛ یعنی نام دین را لازم دارند، اما حقیقت دین را بر نمی‌تابند!..... یک عده علم‌داران تبعیت از فرهنگ غرب و فریفتگان به زرق و برق غربند... یک عده هم قدرت‌طلبانند.....نظام باید این‌ها را بشناسد و این‌ها را علاج کند.

۳-۲- حوزه علمی‌روحانیت و در رأس، حوزه قم و سپس حوزه شهرستان‌ها -از شهرستان‌های بزرگ تا شهرهای کوچک- در قبال چنین چالش‌هایی قرار گرفته‌اند. شما هستید - یعنی حوزه دین، حوزه علمی و حوزه روحانیت- که می‌خواهید بنای شامخ تمدن اسلامی را بالا ببرید

۴- بخش چهارم بحث ما، واجبات حوزه‌های علمی است.....

اول این است که حوزه علمی باید نظام اسلامی -همین نظام جمهوری اسلامی- را از خود بداند و برای تکمیل و رفع نقص آن، همه‌ی کوشش خود را مبذول کند.....

دومین چیزی که به نظر بنده جزو واجبات حوزه علمی است، این است که حوزه باید بدون فوت وقت، صلاحیت‌های لازم را برای مقابله با بحران‌های فکری، در حوزه و در میان اعضای حوزه به وجود آورد....

سوم از واجبات حوزه علمی این است که مدیران محترم حوزه و بزرگان و اعلام حوزه باید طلاب را از لحاظ فکری و سیاسی مصونیت بدهند. باید طوری بشود که هر طلبه‌ای احساس کند در مقابل هر منطقی که برای او پیش می‌آید -ولو برایش از قبل ناآشنا باشد- این مایه را دارد که بتواند مواجهه و مقابله کند. همچنین در زمینه‌های سیاسی باید قدرت تحلیل سیاسی به طلاب داده شود....

آنچه که به نظر من کار لازم بعدی است، این است که نظام درسی در حوزه باید کوتاه و کارآمد و به‌روز شود....

مطلب دیگر، شناسایی استعدادها در حوزه است.....

مطلب بعدی که از واجبات حوزه است، مسأله‌ی هجرت است. هجرت برای تعلیم و تزکیه؛ برای بودن در میان مردم.....

مطلب دیگری که در این فهرست واجبات قرار می‌گیرد، کامل کردن برنامه‌ی درسی حوزه است.....

مطلب دیگری که به عنوان امری لازم در حوزه می‌خواهم عرض کنم..... طلاب و فضلاء جوان کارهای تحقیقاتی انجام می‌دهند؛ اینها را باید با تدبیری، مدیریت حوزه مکمل هم کند؛ به‌طوری که از مجموعه‌ی این تحقیقات، یک منظومه‌ی کامل برای رصد کردن هجوم فکری و تبلیغاتی دشمن و امکان مقابله‌ی با این هجوم به وجود آید.....

۵- توصیه‌ها به طلاب:

اول این که درس خواندن را جدی بگیرید عزیزان! نگویند چون این برنامه فلان عیب را دارد، پس برنامه هیچ، نه. تا برنامه تغییر نکرده است، همین برنامه‌ای که وجود دارد، باید با جدیت دنبال شود. باید درس بخوانید. تا قبل از اتمام دوره‌ی سطح، توصیه‌ی من این است: طلابی که مشغول به سطوح هستند، تا قبل از آن که از سطح خارج شوند، به هیچ کار دیگر غیر از درس نپردازند. درس بسیار جدی است؛ درس بسیار مهم است؛ علم و سواد پایه‌ی اصلی است؛ بدون آن هیچ نقشی نمی‌توانید ایفا کنید، یا درست نمی‌توانید ایفا کنید. نقش‌آفرینی غلط، از نقش‌آفرین نبودن، به مراتب خسارت‌بارتر است.

دوم، حفظ زیّ طلبگی است. زیّ طلبگی چیست؟ من زیّ طلبگی را در دو جمله می‌توانم معرفی کنم: پارسایی با عزّت، و نظم در تحصیل و زندگی.....

توصیه بعدی من به شما عزیزان این است که باید اخلاق اسلامی را، هم بشناسیم - همه‌مان؛ این دیگر پیر و جوان ندارد؛ اما جوان‌ها بیش‌تر و بهترند - و هم تحلی به حلیه‌ی اخلاق پیدا کنیم.....

توصیه‌ی دیگر من به شما عزیزان این است که از لحاظ علمی و هم‌چنین از لحاظ سیاسی، باید اعتماد به نفس کاملی را در خودتان به وجود آورید.....

توصیه‌ی دیگر من این است: من شما عزیزان را در زمینه‌ی مسائل سیاسی، به دو چیز که گاهی با هم اشتباه می‌شود - دعوت می‌کنم. یکی این است که هم‌چنان که بزرگان گفتند و می‌گویند و توصیه می‌کنند، غیرت دینی، لازم است. نباید بگذارید غیرت دینی از مجموعه‌ی حوزه‌ی علمیه و آحاد آن سلب شود. دوم این که از لحاظ سیاسی عصبی نشوید. این‌ها با هم دیگر نایستی اشتباه بشود.....

نکته‌ی بعدی این است که من به برادران عزیز در حوزه‌ی علمیه توصیه می‌کنم که نگذارند توطئه‌ی جدایی و تقابل حوزه و دانشگاه بار دیگر به ثمر بنشیند..... دانشگاه را همتای علمی خودتان بدانید؛ دو همتا. یک مجموعه‌ی علمی این‌جاست، یک مجموعه‌ی علمی هم محیط دانشگاهی کشور است..... البته این‌جا منظورم از رابطه‌ی حوزه و دانشگاه، رابطه‌ی صرفاً عاطفی است. البته رابطه‌ی علمی و عملی به وسیله‌ی مدیران امکان‌پذیر است.....

آخرین توصیه‌ای که عرض می‌کنم، در ارتباط طلاب عزیز و جوان و فضلاء محترم با مردم است. در ارتباطات خود با مردم، اصل نرمش و تواضع و مدارا و در عین حال، اثرگذاری و تبلیغ و هدایت را هرگز نباید

فراموش کنید. خصوصیت طلاب حوزه‌ی علمیه و فضایی حوزه‌های علمیه همین است که بتوانند دل مردم را جلب کنند....

فصل دوم

برخی از بیانات صریح امام خامنه‌ای (مد ظله العالی)

پیرامون فعالیت اجتماعی طلاب

بخش اول: بیانات صریح

۲-۱-۱- حضور روحانیون، شرط ضروری تداوم انقلاب

برای تداوم انقلاب نیز حضور روحانیون ضروری است و فعال بودن روحانیون، شرط لاینفک بقای انقلاب و استقلال کشور و نظام جمهوری اسلامی است. بنابراین، روحانیون باید باشند؛ آن هم با فعالیت و دل‌سوزی و از خود دانستن انقلاب و جانانه دفاع کردن؛ هم‌چنان که در این چند سال نشان دادند و در صحنه‌ی نظامی و جبهه حضور پیدا کردند و جوان‌های تفنگ به‌دست و آر.پی.جی به دوش و لباس بسیج پوشیده را آماده ساختند و شهدای به‌خون غلطیده‌ای را تقدیم اسلام کردند. هم‌چنین در صحنه‌های سیاسی و تبلیغاتی و تربیت نیرو در حوزه‌های علمیه و بخصوص در حوزه‌ی مبارکه‌ی قم فعال بودند و در آینده هم باید با حجم بیش‌تر و کیفیت بالاتر و دل‌سوزی چند برابر، فعال باشند.....

اگر روحانیون، به آینده به چشم یک میدان کار ننگرند و برای آن برنامه‌ریزی نکنند و آفات مسیر را از سر راه برندارند، دنبال این غفلت، ضربه است. در این هیچ شکی نیست. اگر روحانیون، آینده را با چشم باز و بصیر نگاه کنند و خود را برای ادامه‌ی حمل این بار آماده نمایند و وظایفشان را پیش‌بینی و خودشان را آماده‌ی عمل به آن بکنند، اسلام در سطح جهان روزبه‌روز قوت خواهد گرفت. در این هم هیچ تردیدی نیست.....

هنوز اول کار است، باید تلاش کنیم. طلباب جوان، خودشان را بسازند. فضلا و مدرّسان و اساتید و علمای بزرگ، جهت حوزه‌ها را در جهت ساختن انسان‌ها و علمایی منطبق با معیارهای اسلامی قرار بدهند و عناصر فولادین و هوشیار و خسته‌نشو و مؤمن تربیت کنند و نسخه‌های کامل امام بزرگوارمان را در حوزه‌ها به‌وجود آورند. اسلام، به این نیروها و عناصر احتیاج دارد. اگر چه یک شخصیت آن‌چنانی می‌تواند ملتی را نجات دهد، اما ملت‌های مسلمان و جهان و حرکت انقلاب و آینده‌ی تاریخ خودمان نیز احتیاج زیادی به این‌گونه عناصر دارد.....

حوزه‌ها خیلی کار و مسؤولیت دارند. مسؤولیت، بر دوش همه است و فقط بردوش مراجع و مدرّسان یا طلاب و فضلالی جوان نیست؛ بلکه هر کسی نسبت به توان و امکانات خود در حوزه‌های علمیه، مسؤولیت‌هایی دارد. مهم این است که به حرف و تحسین بیان امام اکتفا نشود.

(بیانات در دیدار با جمع کثیری از فضلا و طلاب حوزه‌ی علمیه‌ی قم و مدارس علمیه‌ی تهران ۶۸/۱۲/۲)

۲-۱-۲- طلبه‌ها باید در صفوف مقدم باشند

طلبه‌ها باید در صفوف مقدم باشند. اگر جنگ پیش می‌آید، طلبه باید در صفوف مقدم جنگ باشد و این را ارزش قرار بدهد. این، حقیقتاً یک ارزش است. آن کسی که در حوزه‌ی علمیه مشغول درس خواندن است، به مجرد این که اذان حرب و جهاد بلند شد، به سمت جهاد فی سبیل الله می‌شتابد، اصلاً قیمتی برایش متصور نیست.

بهترین عناصر طلبه، آن کسی است که همین روحیه را در خود داشته باشد و بپروراند، تا مشمول آن حدیث «من لم یغزو و لم یحدث نفسه بغزو مات علی شعبه من التفاق» نشود. اگر هم مانعی پیش آمده و نمی‌تواند عملاً وارد میدان جنگ شود، دلش برای میدان جنگ بجوشد و روحش در آن جا باشد؛ یعنی «حدث نفسه بغزو» باشد. این، ارزش بسیار والایی است. این روحیه باید زنده بماند.

حوادث گوناگونی برای انقلاب هست؛ طلاب باید حاضر و آماده باشند. مسأله‌ی امریکا پیش می‌آید، اظهار نفرت از دشمنان و مستکبران پیش می‌آید، مسائل خلیج فارس پیش می‌آید، مسائل گوناگون دیگری پیش می‌آید؛ طلبه اول کسی باشد که احساس کند مسؤولیتی دارد و آن مسؤولیت را استفسار کند، ببیند چیست. هنگامی که مسؤولیتش مشخص شد، در جای مسؤولیت خودش باشد. این‌ها با طلبگی می‌سازد.

تصور نشود که اگر بخواهم این‌طور بکنم، پس کی درس بخوانم؟ درس را همیشه بخوان. جنگ که همیشه نیست، راهپیمایی که همیشه نیست، حضور در صحنه‌های ضروری که هر ساعت نیست. درس هم باید بخواند و بی‌درس و بی‌تحقیق و بی‌مباحثه، طلبه معنای خودش را از دست می‌دهد.

(بیانات در دیدار مجمع نمایندگان طلاب و فضلاء قم ۱/۴/۶۹)

(طلاب و روحانیون) در کارهای اساسی؛ جنگ، حضور در جبهه‌ها، تحریر بر حضور در جبهه‌ها، کارهای اقتصادی و غیره، همیشه در صف مقدم بودند. حوزه، باید این‌طور باشد. کسی که در حوزه باشد و به نظام اسلامی و احکام قرآن که در این نظام عملی می‌شود و به حکومت اسلامی که به برکت مجاهدت مردم سرپا شده است، با چشم غیر جدی نگاه کند، یک عنصر بیگانه است؛ هر کس می‌خواهد باشد. در حوزه‌ی علمیه‌ی صحیح شیعی، همه به خصوص طلباب جوان، باید خود را در صفوف اول بدانند، که بحمدالله همیشه همین‌طور بوده است. یعنی همیشه فضلاء جوان، طلباب جوان، بزرگان حوزه و مدرّسین محترم، در صفوف مقدم جا داشته‌اند؛ باز هم باید در صفوف مقدم جا داشته باشند.

(بیانات در ابتدای درس خارج فقه ۶/۲۰/۷۳)

۲-۱-۳- اهمیت جهاد و طلبه‌ی جهادگر و بسیجی

حوزه‌ی علمیه یک موجود زنده است؛ افراد در این حوزه می‌آیند و می‌روند. یک روز شما این‌جا را پُر کردید؛ یک روز هم قبل از شما جمع دیگری این فضا و صحن را پُر می‌کردند؛ آن‌ها رفتند و شما آمدید؛ من و شما هم خواهیم رفت و دیگری خواهند آمد و ان‌شاءالله متلائی‌تر و پُرشکوه‌تر از زمان ما، این‌جا را پُر خواهند کرد. ماها عوض می‌شویم؛ اما آنچه می‌ماند، حوزه‌ی علمیه است. حوزه‌ی علمیه، یک موجود همیشه زنده است؛ اما حیات آن به دست ما و به دست هر نسل دیگر است. اگر من و شما زندگی و جوهر حیات را در حوزه تزریق نکنیم، حیات حوزه ضعیف خواهد شد و به نسل‌های بعد نخواهد رسید. حوزه مربوط به افراد نیست - افراد می‌روند، حوزه می‌ماند - اما حیات مستمر و تاریخی حوزه، وابسته به جهاد و تلاش افراد است. ما می‌توانیم بد عمل کنیم - العیاذ بالله - و نتیجه‌ی بد بگیریم؛ یا خوب عمل کنیم و نتیجه‌ی درخشان بگیریم. پس عمل ماست که تأمین‌کننده و تعیین‌کننده‌ی آینده و آثار و ثمرات حوزه است.....

اگر طلبه‌ی امروز ما به درس خواندن بی‌اعتنایی کند، یا به دیانت و تعبد و تلاش فردی اخلاقی خود بی‌اعتنا بماند، یا استعداد خود را به کار نیندازد، یا هدف خود را گم کند - مثل کسی که به طرف مقصدی در حال حرکت است، اما وقتی وسط راه به قهوه‌خانه‌ی خوش‌آب‌وهوایی رسید، همان‌جا پیاده بشود و لنگر بیندازد و همان‌جا بماند و هدف را فراموش کند - یا اگر در اثنای راه منظره‌ای به چشمش خورد، نشناخته و ندانسته به سمت آن راه بیفتد و از هدف غافل بشود، همه‌ی این‌ها آفات راه ماست.....

یک مسأله، مسأله‌ی ارزش‌ها در حوزه است. طلاب باید ارزش‌هایی را به عنوان ارزش‌های ثابت و زوال‌ناپذیر همواره به یاد داشته‌باشند؛ که از جمله‌ی آن‌ها، ارزش علم و ارزش جهاد است. ارزش جهاد را دست‌کم نگیرید. طلبه‌ی جهادگر، طلبه‌ی تلاش‌گر، طلبه‌ی بسیجی، طلبه‌ای که آماده است تا در میدان‌های خطر حضور پیدا کند، این طلبه است که اگر با ابزار علم مجهز شد، آن وقت دنیایی در مقابل او دیگر تاب نمی‌آورد. این کتابی را که درباره‌ی خاطرات بسیجی‌های تیپ ۸۳ است و اخیراً چاپ شده، می‌خواندم؛ چه قدر لذت‌بخش و زیباست. طلبه‌ی امام صادق، در دفاع از حریم امام صادق - یعنی نظام جمهوری اسلامی؛ چون جنگ ما دفاع از حریم امام صادق و دفاع از حریم اسلام و قرآن بود - در میدان‌های خطر بی‌محابا پیش می‌رود و حماسه‌هایی خلق می‌کند که گویی افسانه است؛ این قدر از ذهن مردم امروز دور است؛ این‌ها ارزش‌های تمام‌نشدنی است؛ هیچ چیزی با این‌ها معادل نیست؛ نظام حوزه بایستی این ارزش‌ها را رشد بدهد و پیش بیاورد. ارزش تدین و تعبد و ذکر، ارزش بسیار بزرگی است.

(بیانات در دیدار طلاب و فضلاء قم ۷۰/۱۲/۱)

۲-۱-۴- وقت همه چیز همین حالاست

اصلاً همه‌ی کارهای عالم -از معنوی تا مادی- وقتش همین دوره‌ی جوانی است. اگر آدم بخواهد عالم درجه‌ی یک روی زمین شود، وقتش همین است. بخواهد به خدای متعال نزدیک شود و تقرب پیدا کند و اهل وصول و معنویت باشد، وقتش حالاست. اگر هم بخواهد در مسائل مادی و زندگی وارد شود، وقتش حالاست؛ یعنی هر کاری که شما دارید، مربوط به همین دوره است. چنانچه مثل ما پیر شدید، دیگر همه‌ی کارها می‌ماند.

اگر کسی در جوانی زمینه‌ای فراهم نکرده باشد، در پیری هم نمی‌شود. اگر زمینه‌ای در جوانی فراهم شده باشد، خدا توفیق دهد به گونه‌ای استمرار پیدا می‌کند. غرض؛ وقت همه چیز همین حالاست و هر گلی که ان شاء الله به سر حوزه و اسلام و مسلمین بخواهید بزنید، همین شما می‌توانید بزنید.

(بیانات در دیدار شورای عالی حوزه‌ی علمیه‌ی قم ۷۷/۷/۹)

۲-۱-۵- حضور انقلابی خود را حفظ کنید.

نقش طلاب، انصافاً نقش بسیار مهمی است. من خواهش می‌کنم که شما آقایان، آن خصوصیات جوانی و آن شور و نشاط و جرأت و ابتکار و نوآوری جوانی را همراه با ضابطه‌گرایی و تدین و سنت‌های اخلاقی حوزه -که احترام به بزرگ‌تر است- ارج بنهید و مهم بدانید و حضور انقلابی خود را حفظ کنید.

کسی که در صحنه‌های انقلاب هیچ حاضر نبوده، از ارزش بسیار زیادی محروم است؛ این را بدانید. آن کسی که در طول جنگ، غالباً در میدان جنگ بوده، اگرچه حالا چهار ورق هم از ما عقب ماند، اما از ارزش بسیار والایی برخوردار است؛ که «فَضَّلَ اللَّهُ المجاهدين على القاعدين اجراً عظيماً». البته آن کسی هم که نرفته، لابد عذر و علت و جهتی داشته، یا مورد احتیاج نبوده است -«وَكُلًّا وَعَدَ اللَّهُ الحسنی»- اما آن کس که رفته و مصداق مجاهد قرار گرفته، قطعاً از ارزش والا و بالایی برخوردار است. در محاسبات و افکار و حساب‌هایتان، این‌ها را در نظر داشته‌باشید. البته معلوم است که این‌ها را محاسبه هم می‌کنید؛ ما هم تأکید می‌کنیم.

(بیانات در دیدار مجمع نمایندگان طلاب و فضلاء قم ۶۹/۱/۴)

۲-۱-۶- حضور در میدان‌های گوناگون (فرهنگی و...) با درس خواندن منافات ندارد

برای تداوم انقلاب نیز حضور روحانیون ضروری است و فعال بودن روحانیون، شرط لاینفک بقای انقلاب و استقلال کشور و نظام جمهوری اسلامی است.....

ببینند شرایط تأثیر کامل حضور روحانیت برای انقلاب و پیشرفت هدف‌های آن چیست؛ آن شرایط را تأمین کنند. آفات چیست؛ از آن آفات پیش‌گیری کنند و اگر هست، آن را رفع نمایند. این نکته، جدی است و شعار نیست. این، حرکتی است که اگر شد، پیروزی تداوم پیدا خواهد کرد و روزه‌روز بر اوج اسلام و قدرت جمهوری اسلامی و سعه‌ی میدان این ندای ملکوتی در عالم افزوده خواهد شد.

اگر این حرکت انجام نشد، مشکلات و موانع و -خدای ناخواسته- ناکامی پیش خواهد آمد؛ آن هم برای اسلام و مسلمین در سطح جهان. این قدر مسأله حساس است.....

امروز، وظیفه‌ی روحانیت خیلی سنگین است. البته، به این نکته هم اشاره کنم که در طول هزار و اندی از تاریخ روحانیت شیعه، هیچ‌وقت به خوبی و کارایی و مفید بودن امروز نبوده است. امروز، روحانیت شیعه از همه‌ی دوران طولانی عمر پُربرکت خود، مفیدتر و پُربرکت‌تر و بیش‌تر در خدمت اسلام و مسلمین است -در این، هیچ تردیدی نیست- اما زمان و زمینه‌ی کار و وضعیت این ملت بزرگ، از ما تلاش بیش‌تری را می‌طلبد. باید خیلی کار و تلاش کنیم.

طلاب عزیز و فضلاء جوان، نباید حتّی برای یک لحظه، حضور در میدان‌های گوناگون را فراموش کنند. این حضور، با درس خواندن منافات ندارد؛ بلکه مؤیّد درس خواندن است. همان‌طور که امام بزرگوار در پیام فراموش نشدنی خود فرمودند، فضلاء و جوان‌هایی که تفقّه را در میدان‌های خودش فرا گرفتند و مُنذر قوم خود شدند و میدان جنگ را میدان آزمایش نفس و تکامل معنوی خویش قرار دادند و پیش رفتند، این میدان‌ها را رها نکنند. امروز هم خطوط و میدان‌ها و صحنه‌های نظامی و غیرنظامی و فرهنگی، محتاج حضور فعال شماسست. مدرّسان معظم و محترم و اساتید حوزه‌ی علمیه‌ی قم و سایر حوزه‌ها، طلاب را به سمت هدف‌های انقلابی و اسلامی سوق بدهند.

(بیانات در دیدار با جمعی از طلاب و علمای قم و تهران ۶۸/۱۲/۲)

۲-۱-۷- امروز یکی از ضروری‌ترین تشکله‌ها، بسیج دانشجوی و طلبه است

خلاصه‌ی کلام، اگر بر کشوری نوای دل‌نشین تفکر بسیجی طنین‌انداز شد، چشم طمع دشمنان و جهان‌خواران از آن دور خواهد گردید؛ والا هر لحظه باید منتظر حادثه ماند. بسیج باید مثل گذشته و با قدرت و اطمینان خاطر به کار خود ادامه دهد. امروز یکی از ضروری‌ترین تشکله‌ها، بسیج دانشجوی و طلبه است. طلاب علوم دینی و دانشجویان دانشگاه‌ها باید با تمام توان خود در مراکزشان از انقلاب و اسلام دفاع کنند و فرزندان بسیجی‌ام در این دو مرکز، پاسدار اصول تغییرناپذیر "نه شرقی و نه غربی" باشند. امروز دانشگاه و حوزه از هر محلی بیش‌تر به اتحاد و یگانگی احتیاج دارند. فرزندان انقلاب به هیچ وجه نگذارند ایادی امریکا و شوروی در آن دو محل حساس نفوذ کنند. تنها با بسیج است که این مهم انجام می‌پذیرد. مسائل اعتقادی بسیجیان به

عهده‌ی این دو پایگاه علمی است. حوزه‌ی علمیه و دانشگاه باید چهارچوب‌های اصیل اسلام ناب محمدی را در اختیار تمامی اعضای بسیج قرار دهند. باید بسیجیان جهان اسلام در فکر ایجاد حکومت بزرگ اسلامی باشند و این شدنی است، چرا که بسیج تنها منحصر به ایران اسلامی نیست، باید هسته‌های مقاومت را در تمامی جهان به وجود آورد و در مقابل شرق و غرب ایستاد. شما در جنگ تحمیلی نشان دادید که با مدیریت صحیح و خوب می‌توان اسلام را فاتح جهان نمود. شما باید بدانید که کارتان به پایان نرسیده است، انقلاب اسلامی در جهان نیازمند فداکاری‌های شماس‌ت و مسئولین تنها با پشتوانه‌ی شماس‌ت که می‌توانند به تمامی تشنگان حقیقت و صداقت اثبات کنند که بدون امریکا و شوروی می‌شود به زندگی مسالمت‌آمیز توأم با صلح و آزادی رسید. حضور شما در صحنه‌ها موجب می‌شود که ریشه‌ی ضدانقلاب در تمامی ابعاد از بیخ و بن قطع گردد.

(بخشی از فرمان امام خمینی جهت تشکیل بسیج دانشجو و طلبه ۶۷/۹/۲)

بخش دوم: مسئله‌ی لزوم یا عدم لزوم فعالیت اجتماعی برای طلاب سطح

همان‌طور که در بخش‌های قبلی مطرح شد، یکی از ضرورت‌های مهم طلبگی بحث تحصیل علم است. امام خامنه‌ای (مد ظله العالی) در یکی از دیدارهای خود با طلاب (مدرسه فیضیه، ۷۹/۷/۱۴) چنین می‌فرمایند:

"درس خواندن را جدّی بگیرید عزیزان! نگوئید چون این برنامه فلان عیب را دارد، پس برنامه هیچ؛ نه. تا برنامه تغییر نکرده‌است، همین برنامه‌ای که وجود دارد، باید با جدّیت دنبال شود. باید درس بخوانید. تا قبل از اتمام دوره‌ی سطح، توصیه‌ی من این است: طلبّی که مشغول به سطوح هستند، تا قبل از آن که از سطح خارج شوند، به هیچ کار دیگر غیر از درس نپردازند. درس بسیار جدّی است؛ درس بسیار مهم است؛ علم و سواد پایه‌ی اصلی است؛ بدون آن هیچ نقشی نمی‌توانید ایفا کنید، یا درست نمی‌توانید ایفا کنید. نقش‌آفرینی غلط، از نقش‌آفرین نبودن، به مراتب خسارت‌بارتر است."

با توجه به این فرمایش امام خامنه‌ای (مد ظله العالی) این سؤال پیش می‌آید که معنای عبارت "طلبّی که مشغول به سطوح هستند، تا قبل از آن که از سطح خارج شوند، به هیچ کار دیگر غیر از درس نپردازند" چیست؟ آیا به معنای نفی فعالیت‌های اجتماعی و تشکیلاتی، بصیرتی، تربیتی و... است؟ در این بخش به پاسخ این سؤالات پرداخته خواهد شد.

۱- بر اساس آنچه که در بخش «مروری بر بیانات در مدرسه فیضیه ۷۹/۷/۱۴» گذشت، این توصیه در شرایطی مطرح می‌شود که ایشان پس از طرح مسئله‌ی نقشه‌ی راه انقلاب و تمدن اسلامی و نقش مهم طلاب و حوزه در ایجاد این تمدن، وظایف و واجباتی را برای حوزه برمی‌شمارند که از جمله‌ی آن‌ها عبارت است از: "صلاحیت‌های لازم برای مقابله‌ی حوزه با بحران‌های فکری در جامعه و مصونیت فکری و سیاسی طلاب و قدرت تحلیل سیاسی آنها" (این امور در قالب فعالیت‌های اجتماعی و بصیرتی قابلیت بیش‌تری برای تحقیق دارند)

بنابراین معنای کلام مذکور، نفی این واجبات و وظایف برای طلاب سطح، نیست؛ بلکه به نظر می‌رسد معنای آن کارهای غیر واجب مخل درس و تحصیل باشد. (این مطلب در ادامه بر اساس برخی از بیانات معظم له اثبات می‌شود.)

۲- امام خامنه ای در پایان این دیدار، توصیه هایی را به طلاب جوان می فرماید که کلام مذکور یکی از آنهاست. برخی از آن توصیه ها عبارتند از: "زی طلبگی، باید اخلاق اسلامی را هم بشناسیم و هم تحلی به حلیه ی اخلاق پیدا کنیم، از لحاظ سیاسی باید اعتماد به نفس کاملی را در خودتان به وجود آورید، غیرت دینی لازم است، لزوم ارتباط با دانشگاه، در ارتباطات خود با مردم اصل نرمش و تواضع و مدارا و درعین حال اثرگذاری و تبلیغ و هدایت را هرگز نباید فراموش کنید."

بنابراین معنای کلام مذکور، نفی وظایف و فعالیت های اجتماعی برای طلاب سطح نیست، زیرا در کنار توصیه به جدی درس خواندن، بلافاصله توصیه های دیگری فرموده اند که برخی از آنها فقط در قالب فعالیت های اجتماعی معنا پیدا می کند. (در فصل بعدی به اهمیت تشکیلاتی شدن فعالیت های اجتماعی در نظر امام خامنه ای پرداخته خواهد شد).

۳- ایشان در مراسم عمامه گذاری گروهی از طلاب (۶۸/۱۰/۲۶) می فرمایند:

"در کنار درس، از اوضاع عالم و کشور و مسائل سیاسی مطلع باشید که اگر بی اطلاع باشید، به درد پاسخ گویی به نیازهای مردم نخواهید خورد؛ این را صریحاً به شما می گویم، باید بدانید که در مملکت و در دنیا چه می گذرد و نیازهای مردم چیست. عالم هم باشید، تا آن وقت مفید باشید؛ والا مفید نخواهید بود. خودمان را بایستی تک تک تأدیب و تربیت کنیم تا ان شاء الله مفید باشیم."

بنابراین تأکید ایشان بر ضرورت جدیت در تحصیل، به معنای نفی کارهایی مانند فعالیت های بصیرتی و تربیتی نیست، بلکه این کارها در کنار درس، جزو مهم ترین وظایف یک طلبه است. (این امور در قالب فعالیت های اجتماعی و ترجیحاً تشکیلاتی، قابلیت بیش تری برای تحقق دارند)

۴- همان طور که در بخش قبل ذکر شد، امام خامنه ای (مد ظله العالی) در دیدار با مجمع نمایندگان طلاب و فضایی قم (۶۹/۱۱/۴) فرمودند:

"طلبه ها باید در صفوف مقدم باشند. اگر جنگ پیش می آید، طلبه باید در صفوف مقدم جنگ باشد و این را ارزش قرار بدهد. این، حقیقتاً یک ارزش است. آن کسی که در حوزه ی علمیه مشغول درس خواندن است، به مجرد این که اذان حرب و جهاد بلند شد، به سمت جهاد فی سبیل الله می شتابد، اصلاً قیمتی برایش متصور نیست.... حوادث گوناگونی برای انقلاب هست؛ طلاب باید حاضر و آماده باشند. مسأله ی امریکا پیش می آید، اظهار نفرت از دشمنان و مستکبران پیش می آید، مسایل خلیج فارس پیش می آید، مسایل گوناگون دیگری پیش می آید؛ طلبه (باید) اول کسی باشد که احساس کند مسؤولیتی دارد و آن مسؤولیت را استفسار کند، ببیند چیست. هنگامی که مسؤولیتش مشخص شد، در جای مسؤولیت خودش باشد.... تصور نشود که اگر بخواهم این طور بکنم، پس کی درس بخوانم؟..... همه به خصوص طلباب جوان، باید خود را در صفوف

اول بدانند."

بر اساس این فرمایش، در حوادث گوناگون از جمله جنگ و جهاد، طلاب جوان باید در صف مقدم باشند. همگی می‌دانیم فرمان "جهاد فرهنگی و جنگ نرم" سال‌هاست از طرف ایشان صادر شده است و به فرموده‌ی ایشان مهم‌ترین نوع جنگ و جهاد است. آن‌چه که در تهاجم فرهنگی دشمن، مورد حمله قرار گرفته است، اندیشه و اعتقادات مردم می‌باشد و حضرت امام خامنه‌ای (مد ظله العالی) نه تنها طلاب و دانشجویان را موظف به این جهاد می‌دانند بلکه حتی دانش‌آموزان را هم به این مهم امر نموده‌اند. آیا یک دانشجو و حتی دانش‌آموز در زمینه جهاد فرهنگی و دفاع از مرزهای فکری و اعتقادی مردم، وظیفه‌ی فعالیت اجتماعی دارد اما طلبه (و لو طلبه‌ی سطح ۱) چنین وظیفه‌ای ندارد؟ (با این‌که حوزویان، متولی اصلی تعمیق و حراست از اندیشه و اعتقادات اسلامی مردم هستند). پس همان‌گونه که در سایر مسائل (اعم از مسائل سیاسی، جنگ نظامی و...) "طلاب جوان، باید خود را در صفوف اول بدانند"، در عرصه‌ی جهاد فرهنگی نیز به طریق اولی باید چنین باشد. ضمن آنکه جهاد فرهنگی و فعالیت سیاسی بدون فعالیت اجتماعی معنا ندارد. در فصل بعد نیز خواهیم گفت که مطلوب‌ترین شکل فعالیت اجتماعی، کار تشکیلاتی و دسته‌جمعی است (بلکه تنها شکل مطلوب آن).

۵- همچنین در دیدار طلاب و فضالای قم (۷۰/۱۲/۱) می‌فرمایند:

"یک مسأله، مسأله‌ی ارزش‌ها در حوزه است. طلاب باید ارزش‌هایی را به عنوان ارزش‌های ثابت و زوال‌ناپذیر همواره به یاد داشته باشند؛ که از جمله‌ی آنها، ارزش علم و ارزش جهاد است. ارزش جهاد را دست کم نگیرید. طلبه‌ی جهادگر، طلبه‌ی تلاش‌گر، طلبه‌ی بسیجی، طلبه‌ای که آماده است تا در میدان‌های خطر حضور پیدا کند، این طلبه است که اگر با ابزار علم مجهز شد، آن وقت دنیایی در مقابل او دیگر تاب نمی‌آورد."

بنابراین طلبه‌ی مطلوب در نگاه ایشان، طلبه‌ای است که علاوه بر تحصیل علم، یک "طلبه‌ی بسیجی و آماده" باشد. (ضمن آن‌که، بسیج طلاب مجموعه‌ای است برای منظم شدن، هماهنگی، جهت‌دار شدن و در یک کلام، تشکیلاتی شدن فعالیت‌ها و وظایف اجتماعی. مجموعه‌ای که امام خمینی (قدس الله سره) در تاریخ ۶۷/۹/۲ طلاب را موظف کردند که "با قدرت و اطمینان خاطر و برای دفاع از انقلاب و اسلام" آن را تشکیل دهند.)

۶- در دیدار با جمعی از طلاب و علمای قم و تهران (۶۸/۱۲/۲) :

"(روحانیون و طلاب از ابتدای شروع نهضت امام خمینی) در صحنه‌های سیاسی و تبلیغاتی و تربیت

نیرو در حوزه‌های علمیه و به‌خصوص در حوزه‌ی مبارکه‌ی قم فعال بودند و در آینده هم باید با حجم بیش‌تر و کیفیت بالاتر و دل‌سوزی چند برابر، فعال باشند... امروز، وظیفه‌ی روحانیت خیلی سنگین است. زمان و زمینه‌ی کار و وضعیت این ملت بزرگ، از ما تلاش بیش‌تری را می‌طلبد. باید خیلی کار و تلاش کنیم..... طلاب عزیز و فضایی جوان، نباید حتی برای یک لحظه، حضور در میدان‌های گوناگون را فراموش کنند. این حضور، با درس خواندن منافات ندارد؛ بلکه مؤید درس خواندن است."

بنابراین حضور در فعالیت‌های اجتماعی (که در فصل بعدی ثابت خواهد شد، این فعالیت‌ها باید تشکیلاتی باشد) با درس خواندن منافات ندارد؛ بلکه مؤید درس خواندن است و "طلاب نباید حتی برای یک لحظه، حضور در میدان را فراموش کنند."

(چگونه فعالیت اجتماعی و تشکیلاتی موجب تقویت مسایل تحصیلی می‌شود؟ به نظر می‌رسد در صورتی که کار تشکیلاتی بر اساس اصولی باشد که دین مبین اسلام فرموده -و ما باید آنها را از فرمایشات ولی امر خود کسب نماییم- اولاً انگیزه‌ی ما در انجام وظایف درسی افزایش خواهد یافت، ثانیاً بهتر می‌توانیم استعدادهای خود را بشناسیم، ثالثاً قدرت مدیریت افزایش می‌یابد و بهتر می‌توانیم خود و زمان خود را مدیریت کنیم. اما آن‌چه که از همه این موارد مهم‌تر است و همه‌ی آنها را در بر می‌گیرد همان مطلبی است که حضرت امام خامنه‌ای (مد ظله العالی) بارها بر آن تأکید فرمودند: اگر به وظیفه‌ی خود عمل کنیم خداوند ما را یاری خواهد کرد و به کار ما برکت خواهد داد و ایشان مکرراً در بیاناتشان بر این آیه شریفه تأکید نمودند: "ان تنصروا الله ینصرکم و یثبت اقدامکم". و به جرئت می‌توان گفت خود ایشان مصداق عینی این مهم هستند که نه تنها در مسائل علمی به اوج رسیدند بلکه هم‌زمان به بهترین شکل ممکن به تکالیف اجتماعی و انقلابی خود نیز عمل نمودند و این نیست مگر به دلیل نصرت الهی).

۷- امام خمینی در متن فرمان تشکیل بسیج دانشجو و طلبه می‌فرمایند:

"امروز یکی از ضروری‌ترین تشکله‌ها، بسیج دانشجو و طلبه است. طلاب علوم دینی و دانشجویان دانشگاه‌ها باید با تمام توان خود در مراکزشان از انقلاب و اسلام دفاع کنند... فرزندان انقلاب به هیچ وجه نگذارند ایادی امریکا و شوروی در آن دو محل حساس نفوذ کنند. تنها با بسیج است که این مهم انجام می‌پذیرد. مسائل اعتقادی بسیجیان به عهده این دو پایگاه علمی است. حوزه علمیه و دانشگاه باید چهارچوب‌های اصیل اسلام ناب محمدی را در اختیار تمامی اعضای بسیج قرار دهند... باید هسته‌های مقاومت را در تمامی جهان به وجود آورد و در مقابل شرق و غرب ایستاد... شما باید بدانید که کارتان به پایان نرسیده است، انقلاب اسلامی در جهان نیازمند فداکاری‌های شماست."

آیا ضرورت تشکله بسیج طلاب بدون لزوم فعالیت اجتماعی (بلکه تشکیلاتی) طلبه‌ها معنا دارد؟

جمع‌بندی

با توجه به هفت دلیل فوق‌الذکر معنای "کار دیگر غیر از درس"، در کلام "طلّابی که مشغول به سطوح هستند، تا قبل از آن که از سطح خارج شوند، به هیچ کار دیگر غیر از درس نپردازند"، نفی غیر واجبات و غیر ضروریات منحل درس است و در نگاه ایشان، وظایفی وجود دارد که همه‌ی طلاب (ولو طلبه‌ی سطح ۱) باید در کنار درس به آن‌ها نیز توجه کنند که از جمله‌ی آن‌ها وظایف اجتماعی و حضور در فعالیت‌های جمعی و تشکیلاتی برای "دفاع از انقلاب و اسلام" است و "این حضور، با درس خواندن منافات ندارد؛ بلکه مؤید درس خواندن است."

در فصل بعدی به این مسئله پرداخته خواهد شد که بهترین شکل فعالیت‌های اجتماعی، بلکه تنها شکل مطلوب آن، کار تشکیلاتی و منسجم است.

فصل سوم

اهمیت کار تشکیلاتی

۳-۱-۱- کار تشکیلاتی برای روحانیون

من می‌خواهم این را عرض بکنم که امروز مسأله، چیز دیگری است. امروز موضع روحانیت چه باید باشد و کجا قرار بگیرد؟ حقیقت این است که امروز در جهات مختلف، روحانیت باید در موضع حراست و دفاع از نظام قرار بگیرد؛ این را هرگز نباید فراموش کرد....

البته این تشکل روحانیون، کار بسیار خوبی است؛ یعنی هر تشکلی برای روحانیون، چیز خوبی است. روحانیون بایستی دور هم باشند، هم‌فکری کنند، اشتباهات یکدیگر را رفع کنند، کارهای یکدیگر را کامل کنند. ما مجموعه‌ای هستیم که کارهای همسانی در رابطه‌ی با مردم داریم. ممکن است همه، ظرفیت لازم را به قدر کافی نداشته باشیم؛ اما از تجربیات و از حرف‌های یکدیگر استفاده کنیم. به نظر ما، این کار بسیار خوبی است؛ و این در تشکل‌های روحانی انجام می‌گیرد

(بیانات در دیدار روحانیون کرمان ۷۰/۸/۲۰)

۳-۱-۲- این کارها تشکیلات و مدیریت تشکیلاتی لازم دارد

من در دو سه سال قبل از این، با یکی از فضایی عالی مقام که واقعاً قلباً به ایشان ارادت دارم؛ خیلی خوش‌فکر و نوآور هم هستند، همین نکته را مطرح کردم و گفتم شما تعدادی از این فضلا و محققان را در جایی از قم جمع کنید و به آن‌ها کار حقیقی بدهید و بودجه‌ای هم برایش بگذارید؛ اما تعقیب نشد و متأسفانه این کارها انجام نمی‌شود. من ایراد ندارم که چرا فلان آقا این کار را نکرده؛ معلوم است که این کارها فردی انجام نمی‌گیرد؛ این کارها تشکیلات و مدیریت تشکیلاتی لازم دارد.

(بیانات در دیدار با جمعی از طلاب و فضایی قم ۷۰/۱۱/۳۰)

۳-۱-۳- کارهای ما دسته‌جمعی نیست

کارهای ما دسته‌جمعی نیست. من یک وقت عرض کردم که از این جهت، مثل جناب ابوذر (سلام‌الله‌علیه) هستیم که «یعیش وحده و یموت وحده». همه‌ی کارهای ما تنهاست: از استاد، تنها درس می‌گیریم و تنها مطالعه می‌کنیم. گرچه مباحثه‌مان هم کار دو نفری است، اما تنهاست؛ یعنی اشتراک فکری نیست. یک روز زید می‌خواند، عمرو شاگرد او می‌شود و گوش می‌کند؛ فردا عمرو می‌خواند، زید شاگرد او می‌شود و گوش می‌کند؛ یعنی کار فردی است. کار دسته‌جمعی، اشتراک مساعی و ابزارهای مناسب را جمع کردن و آوردن، کارهای جدید دنیاست. جدید که عرض می‌کنیم، این بخش آن خیلی هم جدید نیست؛ تقریباً قدیمی است؛

اما در عین حال ما هنوز با آن چندان آشنا نیستیم!

(بیانات در دیدار طلاب و فضلاء قم ۷۰/۱۲/۱)

۳-۱-۴- تبلیغ باید به صورت تشکیلاتی باشد

نکته‌ی هشتم این است که در حوزه باید به تبلیغ، به صورت جدی توجه بشود؛ یعنی برای تبلیغ برنامه‌ریزی شود. این ذخیره‌ی عظیم در حوزه - این همه روحانی جوان آماده‌ی حرف زدن و تبلیغ کردن - در اختیار ماست؛ مگر این چیز کمی است؟ البته طلاب همیشه به شکل خودجوش و خودرو می‌روند، و این در جاهای مختلف، با دعوت و بی‌دعوت، خوب و بد، مفید و کم‌فایده و پُرفایده هست؛ اما هیچ محصول حساب‌شده‌ای از آن انتظار نیست. چرا؟ چون برنامه‌ریزی نیست. یک وقت هم اگر خدای نکرده طلبه‌ای در گوشه‌ای تبلیغی بکند که به نفع تمام نشود، کسی نیست که جلوی آن را بگیرد، یا ضایعه‌اش را جبران بکند؛ چون قبلاً برنامه‌ریزی و حساب‌گری نشده است. باید بنشینند حساب کنند که تبلیغ در کجا، به وسیله‌ی چه کسی، به وسیله‌ی کدام ابزار تبلیغ، محتوای آن تبلیغ چه باشد، هدف آن تبلیغ چه باشد.

ما تبلیغ می‌کنیم که از مخاطب خود چه درست کنیم؟ گاهی شما می‌خواهید تبلیغی بکنید که فرضاً از مخاطبتان، یک داوطلب حضور در جنگ تحمیلی درست کنید، تا تحت تأثیر حرف‌های شما، یک ماه، دو ماه، شش ماه به جبهه برود. یک وقت هدف شما از تبلیغ این است که یک مؤمن درست کنید، که تا آخر عمر با این ایمانش زندگی کند. یک وقت هم یک مسأله‌ی فصلی پیش آمده، می‌خواهید تبلیغ بکنید، برای این که او را در مواجهه‌ی با آن مسأله‌ی فصلی آماده نمایید؛ این هم یک طور است. در حوزه باید دستگاهی مخصوص برنامه‌ریزی تبلیغ وجود داشته باشد؛ برنامه‌ریزی کند، کار کند و افراد را برای تبلیغ آماده نماید.

(بیانات در آغاز درس خارج فقه ۷۰/۶/۳۱)

تبلیغات ما در دوران جمهوری اسلامی، به جای این که بر طبق تشکیل یک نظام، سازمان‌دهی، نظام‌مند و جهت‌گیری شود و همه چیز مثل یک ماشین کار کند، همان‌طور مثل سابق است.....

واقعاً حوزه بسیار غنی است و افراد غنی هم در خود دارد. این همه فضلا و جوانان مستعد در این حوزه هستند؛ جوانانی که از شدت تالو استعداد، اصلاً برق می‌زنند و وقتی بعضی از آنها به این جا می‌آیند، آدم از دیدنشان حظ می‌برد. اما همین‌طور عاطل و باطل مانده‌اند و دلشان خوش است به این که در جلسه‌ی درس اصول آقای فلان یا حلقه‌ی درس فقه آقای بهمان بروند و حداکثر جزوه‌ای بنویسند! این است کار حوزه‌ها؟!

(بیانات در دیدار با رئیس و اعضای دفتر «تبلیغات اسلامی حوزه‌ی علمیه‌ی قم» ۷۳/۳/۹)

۳-۱-۵- ضرورت ایجاد تشکیلات و کار تشکیلاتی

تشکیلات یکی از فرایض هر گروه مردمی است که یک هدفی را دنبال می‌کنند. تشکیلات یعنی نظم، یعنی تقسیم وظایف، یعنی ارتباط و اتصال و زنجیره‌ای کار کردن؛ این معنای تشکیلات است. این چیزی است که نه فقط بد نیست؛ بلکه یک چیز خوب و بلکه یک چیز ضروری است. هیچ کاری در دنیا بدون تشکیلات پیش نمی‌رود. انقلاب اسلامی ایران هم بدون تشکیلات پیش نرفت و پیروز نشد.

(مصاحبه با روزنامه اطلاعات ۱۱/۲۷/۶۰)

طبیعی است که اساس کار، تشکیلات است. شکی نیست که تا تشکیلاتی نباشد، هیچ چیزی بر اساس آن نمی‌شود بنا کرد؛ لیکن در ایجاد تشکیلات نباید خیلی معطل ماند.

(بیانات در دیدار شورای عالی مجمع جهانی اهل بیت ۷۰/۷/۴)

بدون سازمان‌دهی، بدون تشکیلات، مدیریت امکان ندارد و کار هم پیش نمی‌رود. نخیر، بنده معتقد به نظم سازمانی هستم اما معتقدم که این نظم سازمانی نباید ما را از هویت خودمان خارج کند.

(بیانات در دیدار اعضای نمایندگی رهبری در دانشگاه‌ها ۸۹/۴/۲۰)

باید توجه داشته باشید که در همه کار، ساز و کار تشکیلاتی و اداری، نقش مهمی دارد. این نه به معنای گم شدن در هفت توی بوروکراسی و دیوان‌سالاری است، بلکه به معنای بودن تشکیلات، بودن مسئول و وجود یک مرکز فکر است.

(بیانات در دیدار اساتید و دانشجویان دانشگاه‌های شیراز ۸۷/۲/۱۴)

۳-۱-۶- معنای کار جمعی

یک کار تشکیلاتی، یک کار جمعی خصوصیتش این است که فرد باید خودش را در جمع حل کند، گم کند؛ که این گم کردن، عین باز یافتن به نحو درست است. چیزی کم نمی‌شود از آدم‌ها، چیزها افزوده می‌شود.

(بیانات در دیدار جمعی از اعضای انجمن قلم ۸۱/۱/۸)